



Paper Type: Original Article

Relation of Credit Rating, Litigation Risk and Audit Opinion Modification

Hossein Rajabdorri^{1,*} , Razieh Ghorbani²

¹ Department of Accounting Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran; Hosrado@gmail.com.

² Department of Accounting, Farabi college, University of Tehran, Qom, Iran; razieh_ghorbani70@yahoo.com.

Citation:



Rajabdorri, H., & Ghorban, R. (2023). Relation of credit rating, litigation risk and audit opinion modification. *Innovation management and operational strategies*, 4(3), 289-302.

Received: 07/03/2023

Reviewed: 10/06/2023

Revised: 30/07/2023

Accepted: 31/08/2023

Abstract

Purpose: The main objective of the present research is to identify the relationship between credit rating, litigation risks, and audit opinion modification on the companies listed on the Tehran Stock Exchange (TSE).

Methodology: The statistical sample of this study includes 158 companies accepted on the Tehran Stock Exchange, which were reviewed from 2017 to 2021. This research is an applied and post-event type. The research hypotheses were tested through logistic regression in version 10 of Eviews software.

Findings: The research findings showed that when credit rating increased, litigation risks decreased. Also, a negative and significant relationship exists between credit rating and audit opinion modification.

Originality/Value: This study clarifies the role of credit rating in audit reports and litigation risk management and provides new insight into the factors that affect audit opinion modification. These findings have important implications for companies, auditors, and investors in increasing the quality and reliability of financial information. This study also contributes to the development of literature by emphasizing the need for more research on the factors that determine credit rating and their impact on financial reporting.

Keywords: Opinion modification, Credit rating, Litigation risks, Adjustment of the auditor's report.



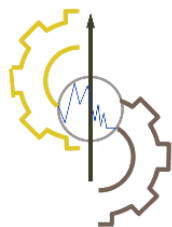
Corresponding Author: Hosrado@gmail.com



doi.org/10.22105/imos.2023.388800.1264



Licensee. **Innovation Management & Operational Strategies**. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).



نوع مقاله: پژوهشی



رابطه رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهار نظر حسابرس

حسین رجب‌دري^۱، راضیه قربانی^۲^۱ گروه حسابداری، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران.^۲ گروه حسابداری، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی رابطه بین رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهار نظر حسابرس شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

روش‌شناسی پژوهش: نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۵۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این پژوهش از نوع کاربردی و پس‌رویدادی است و فرضیه‌های پژوهش از طریق رگرسیون لجستیک در نرم‌افزار Eviews نسخه ۱۰ مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که با افزایش رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس کاهش می‌یابد. هم‌چنین، بین رتبه اعتباری و تعدیل اظهار نظر حسابرس نیز رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

اصالت/ارزش افزوده علمی: این مطالعه نقش رتبه اعتباری در گزارش حسابرسی و مدیریت ریسک اقامه دعوا را روشن می‌سازد و بینش جدیدی در مورد عواملی که بر اصلاح نظر حسابرسی تأثیر می‌گذارند، ارائه می‌دهد. این یافته‌ها پیامدهای مهمی برای شرکت‌ها، حساب‌رسان و سرمایه‌گذاران در افزایش کیفیت و قابلیت اطمینان اطلاعات مالی دارد. این مطالعه هم‌چنین، با تأکید بر نیاز به پژوهش‌های بیش‌تر در مورد عوامل تعیین‌کننده رتبه اعتباری و تأثیر آن‌ها بر گزارشگری مالی، به توسعه ادبیات کمک می‌کند.

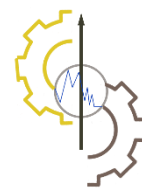
کلیدواژه‌ها: تعدیل اظهار نظر، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس، رتبه اعتباری، تعدیل گزارش حسابرس.

۱- مقدمه

رتبه اعتباری نقش مهمی در بازارهای پول و سرمایه بازی می‌کند. دو نوع رتبه‌بندی اعتباری شامل رتبه‌بندی اوراق بهادار و رتبه‌بندی شرکت‌ها وجود دارد. معیار رتبه‌بندی اوراق، احتمال تاخیر در پرداخت اوراق است، اما رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها ارزیابی بی‌طرفانه‌ای از وضعیت کلی اعتباری شرکت را نشان می‌دهد و بیانگر اظهار نظر عینی، خارجی و مستقل در خصوص توانایی شرکت در ایفای کامل و به موقع همه تعهدات است [1].

رتبه اعتباری شرکت‌ها از یک‌سو تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را به‌عنوان استفاده‌کنندگان اصلی شرکت‌ها تسهیل می‌بخشد و از سوی دیگر به کاهش هزینه سرمایه شرکت‌های دارای صلاحیت اعتباری و شرایط مناسب مالی منجر می‌شود [2]. در واقع، محیط در حال رشد و بسیار رقابتی پیرامون بنگاه‌های اقتصادی، آن‌ها را وادار می‌سازد که برای ادامه حیات با عوامل متعددی در سطح ملی و بین‌المللی رقابت کنند و فعالیت‌های خود را از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید گسترش دهند؛ بنابراین، بنگاه‌های اقتصادی، عموماً از دو جنبه نگران





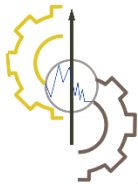
وضعیت اعتباری خود هستند: ۱- مبدا در پرداخت اصل و فرع بدهی‌ها ناتوان مانده و با بحران مالی روبه‌رو شوند و ۲- مبدا تصمیم‌های اعتباری امروز بنگاه، انعطاف‌پذیری مالی فردای آنان را با خطر مواجه کند. بحث مربوط به وضعیت اعتباری، نه تنها برای بنگاه‌های اقتصادی، بلکه برای سایر ذی‌نفعان آن‌ها، از جمله بستانکاران و سرمایه‌گذاران فعلی نیز با اهمیت است؛ هم‌چنین، اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران بالقوه از وضعیت اعتباری بنگاه‌های اقتصادی غافل نخواهند بود [3].

اقامه دعوا علیه حسابرس، به مواردی که منجر به اقامه دعوا علیه حسابرس ناشی از فعالیت‌های حسابرسی شود، تعریف می‌شود [4]، [5]. همان‌گونه که آمارهای ارایه‌شده این مساله را تایید می‌کند، در سال‌های گذشته شکایت علیه حسابرسان، به یکی از اساسی‌ترین مشکلات حسابرسان تبدیل شده است. برای نمونه، در آمریکا شش موسسه بزرگ حسابرسی در سال ۱۹۸۳ با سه شکایت مواجه بوده‌اند، در حالی که این مساله در سال ۱۹۹۳ به ۲۱۰ مورد رسیده است. بنا به گزارش این شش موسسه، مبلغ‌هایی که آن‌ها بابت خسارت، کاهش شکایت‌های احتمالی و حفظ اعتبار خود پرداخت کرده‌اند، از ۲/۶٪ کل درآمد در سال ۱۹۸۳ به ۱۲٪ در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است [6]. یافته‌های دیگری نیز گزارش کرده است که میزان دادخواهی علیه حسابرسان در آمریکا از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۹۴، ۳۰۰٪ افزایش یافته است [7]. بر اساس گزارش مرکز کیفیت حسابرسی خسارت‌های پرداختی توسط حسابرسان آمریکایی بابت اقامه دعوا علیه آن‌ها در ۳۶۲ مورد جمعا به مبلغ ۵/۶۶ میلیارد دلار بوده است [8]. هم‌چنین، ۱۴۷ مورد ادعای خسارت علیه حسابرسان وجود داشته و هرکدام حداقل ۱۰۰ میلیون دلار ادعای خسارت کرده‌اند که در مجموع نزدیک به ۲۱۰ میلیارد دلار است. در دیگر کشورهای توسعه‌یافته نیز این روند حالت صعودی داشته است. برای نمونه، بر اساس گزارش مجله ICAEW، اقامه دعوا علیه حسابرسان در انگلیس نیز در حال افزایش است [9]. در ایران هرچند آمار رسمی در خصوص اقامه دعوا علیه حسابرسان در دسترس نیست، اما شواهد نقلی حاکی از آن است که در سال‌های اخیر میزان شکایت علیه حسابرسان افزایش یافته است [10]. در این زمینه، اقامه دعوا علیه حسابرسان افزون بر تحمیل خسارت‌های هنگفت به صورت مستقیم، هزینه‌های غیرمستقیمی نیز بر حسابرسان و حرفه تحمیل می‌کند. اقامه دعوا از سوی استفاده‌کنندگان گزارش حسابرسی نه تنها منجر به تحمیل هزینه بر شخص حسابرس می‌شود، بلکه آسیب شدیدی بر اعتبار حرفه نیز وارد می‌کند. این پیامدهای ناگوار، این مساله را تبدیل به یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های جامعه حسابرسی کرده است. به گونه‌ای که حسابرسان همواره تلاش می‌کنند تا به گونه مداوم این ریسک را ارزیابی کنند و تدابیر لازم را برای در امان ماندن از گزند آن اتخاذ نمایند [10].

وظیفه بسیار مهم ارزیابی اعتبار اطلاعات مالی واحدهای اقتصادی در جوامع مختلف به حسابرسان مستقل محول شده است. حسابرسان مستقل این امر را با ارایه اظهارنظر نسبت به اطلاعات مالی در قالب گزارش حسابرسی به انجام می‌رسانند. نحوه ارایه اظهارنظر به شکل مشخصی است که عموماً مفهوم آن تا حد زیادی برای همه استفاده‌کنندگان از جمله اعتباردهندگان روشن است. از آن‌جا که متقاضی اعتبار، وضعیت خود را با کمک سیستم گزارشگری مالی به بانک ارایه می‌نماید، نقش حسابرسی مستقل در ارزیابی اعتبار این گزارش‌ها کاملاً مشهود است [11]. درواقع، سرمایه‌گذاران به اطلاعات مفید برای اطمینان از ایمنی سرمایه‌گذاری خود نیاز دارند. نظرهای حسابرسان و رتبه اعتباری شرکت‌ها به سرمایه‌گذاران این علامت را می‌دهد و موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران می‌شود. درحالی‌که حسابرسان در مورد قابلیت اطمینان صورت‌های مالی اظهارنظر خود را اعلام می‌کنند، موسسه‌های رتبه‌بندی اعتباری در مورد ارزش اعتباری یک شرکت، نظر خود را در قالب رتبه اعتباری بیان می‌کنند.

حسابرسان باید تعهد دهند و جایگاه خود را در ارایه اطلاعات مرتبط و قابل اعتماد تضمین کنند. آن‌ها باید یک راهنمای بالقوه برای سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری خود باشند؛ بنابراین، نظر حسابرسی باید هم‌راستا با جایگاه رتبه اعتباری باشد [12]. رتبه اعتباری علامت‌هایی هشداردهنده به همراه دارد و می‌تواند عدم قطعیت حسابرسان را کاهش دهد و به این ترتیب، بر اظهارنظر حسابرس اثرگذار باشد [13]، [14].

با توجه به مبانی نظری موجود، این انتظار وجود دارد که رتبه اعتباری بر اظهارنظر حسابرسان و به‌ویژه خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس موثر باشد، در نتیجه، هدف این پژوهش بررسی رابطه رتبه اعتباری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس است. سوال این پژوهش را می‌توان به این صورت مطرح نمود که آیا بین رتبه اعتباری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد؟ در صورتی که این رابطه‌ها وجود دارد شدت آن به چه میزان است و جهت آن به چه سمتی است؟



از آنجا که انواع مختلف اظهارنظرهای حسابرس می‌تواند برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان دارای اهمیت باشد، یافته‌های این پژوهش می‌تواند از این لحاظ دارای ارزش افزوده و دانش‌افزایی باشد؛ هم‌چنین، در راستای توسعه ادبیات رتبه تجاری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس نیز یافته‌های این پژوهش ارزشمند خواهد بود. در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش و سپس، روش پژوهش، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری آورده خواهد شد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رتبه اعتباری، اظهارنظر در خصوص توانایی و تمایل شرکت جهت ایفاء تعهدهای مالی به‌طور کامل و به‌موقع را نشان می‌دهد [15]. رتبه اعتباری فاصله بین قرض‌گیرندگان و قرض‌دهندگان را کاهش می‌دهد، زیرا نیازهای هر دو طرف را برآورده می‌کند. برآورده کردن این نیازها، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بهینه را در مورد سرمایه‌گذاران و تصمیم‌های انتشار بهینه را در مورد قرض‌گیرندگان تسهیل می‌بخشد. رتبه اعتباری برای سرمایه‌گذاران هزینه اطلاعات و برای شرکت‌ها، هزینه دسترسی به بازار را کاهش می‌دهد [12]. مساله مهمی که در رتبه اعتباری نیاز به توجه دارد، «عدم تقارن اطلاعاتی» است. یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه حقوق سرمایه‌گذاران، ندانستن آن چیزی است که در شرکت روی می‌دهد، یعنی عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی و افرادی که در درون‌سازمانی که عملیات شرکت را کنترل می‌کنند. به این صورت، رتبه اعتباری به جبران کمبود اطلاعات در دسترس سرمایه‌گذاران کمک می‌کند و به ارزش اقتصادی می‌افزاید [16]. به‌بیان‌دیگر، انتظار می‌رود موسسه‌های رتبه‌بندی به تخصیص کاراتر منابع در اقتصاد کمک کنند [17]. چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه نمایندگی و نظریه علامت‌دهی استوار است. درواقع، این بخش نقش این نظریه‌ها را در توضیح رابطه بین رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس را نمایان می‌کند.

۲-۱- نظریه نمایندگی

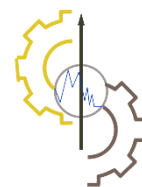
نقش حسابرسان ارزیابی گزارش‌های تهیه‌شده توسط مدیران و بررسی مطابقت آن با اصول حسابداری است [18]. گزارش حسابرسی و رتبه اعتباری شرکت‌ها به سرمایه‌گذاران علامت می‌دهد و می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران را کاهش دهد. در این راستا، حسابرسان نقش مهمی در کاهش مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران ایفاء می‌کنند. آن‌ها با اظهارنظر مستقل خود می‌توانند اطلاعات قابل اطمینانی برای ذینفعان مختلف به همراه داشته باشند [12].

بر اساس نظریه نمایندگی، به دلیل تضاد منافع میان مدیر و مالک، مالکان در پی انعقاد قراردادهایی در جهت کمینه نمودن این تضاد منافع هستند [19]. مدیران روش‌هایی را انتخاب می‌کنند که عملکرد مالی شرکت را بیش‌تر ارزیابی کند تا میزان پاداش خود را افزایش دهند که برخلاف منافع صاحبان سهام است. افزون بر آن، سهامداران و اعتباردهندگان ممکن است منافع متفاوتی داشته باشند که این تضادهای منافع منجر به هزینه‌های نمایندگی می‌شود [20].

حسابرسان مستقل به‌منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی [21] و تضاد منافع بین مدیران و سهامداران از یک‌سو و بین وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان از سوی دیگر [22, 23]، منصوب می‌شوند. بر اساس دیدگاه واتس و زیرمن [24]، از آنجا که حسابرسان به تفکیک مسئولیت خود بیش‌تر از بهبود اعتبار صورت‌های مالی علاقه‌مند هستند، بیش‌تر نگران منافع مدیران نسبت به سرمایه‌گذاران هستند. هم‌چنین، سیگنال‌های ارسال‌شده توسط رتبه اعتباری، رفتارهای فرصت‌طلبانه حسابرس را کاهش می‌دهد و او را تشویق به انتشار اظهارنظر قابل اعتمادتر می‌کند که برای حفظ جایگاه خود و مصونیت قضایی و کاهش خطر اقامه دعوا نیز مفید است [12].

۲-۲- نظریه علامت‌دهی

افراد درون‌سازمانی مانند مدیران، اطلاعات خصوصی بیش‌تری نسبت به افراد برون‌سازمانی دارند [25]. با توجه به مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی، سهامداران اطلاعات را از واسطه‌ها (به‌عنوان نمونه حسابرسان مستقل، رتبه اعتباری شرکت و تحلیل‌گران مالی) درخواست می‌کنند؛ بنابراین، کاربران به یک فرد خارجی متکی هستند که آن‌ها را قادر می‌سازد تا اطمینان از صحت اطلاعات ارایه‌شده توسط مدیران را تضمین کند [12]. درنتیجه، سرمایه‌گذاران مایل به استفاده از خدمات حسابرسان برای ارزیابی قابلیت اطمینان و اعتبار گزارشگری مالی هستند [26].



حسابرس، یک عنصر مهم در نظریه علامت‌دهی است، زیرا نظر او برای کاربران صورت‌های مالی بسیار مهم است [27]. به گونه مشابه، مدیران نیز اطلاعات و علامت‌هایی را برای شرکت‌کنندگان در بازار ارسال می‌کنند [25]. اگرچه سیگنال‌های ارایه‌شده توسط مدیر و حسابرس ممکن است متناقض باشد. در نتیجه، حسابرسان با تعدیل اظهارنظر حسابرس، استقلال و مشارکت خود را تضمین می‌کنند [12]. افزون بر این، رتبه اعتباری شرکت‌ها، سیگنال‌هایی برای سرمایه‌گذاران ارسال می‌کند و می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران را کاهش دهد [28]. از آن‌جا که سطح رتبه اعتباری، ریسک شرکت را ارزیابی و علامت‌هایی را به سرمایه‌گذاران ارسال می‌کند، برای حسابرسان نیز سطح رتبه اعتباری می‌تواند نشانه مخاطرات کسب‌وکار مانند خطر اقامه دعوا علیه حسابرسان باشد و بنابراین، باعث می‌شود محافظه‌کارتر رفتار کنند [13]. در نتیجه، رتبه اعتباری سیگنال‌هایی برای حسابرسان به همراه دارد و می‌تواند به آن‌ها در ارایه اظهارنظر بهتر کمک کند [14].

۳-۲- توسعه فرضیه‌های پژوهش

چا و همکاران [29] در پژوهشی رابطه رتبه اعتباری و تعدیل اظهارنظر حسابرس ناشی از تداوم فعالیت را در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار کره مورد مطالعه قرار داده و دریافتند که رابطه منفی و معناداری بین رتبه اعتباری و تعدیل اظهارنظر حسابرس ناشی از تداوم فعالیت وجود دارد. افزون بر این، فلدمن و رید [14] رابطه رتبه اعتباری و اظهارنظر حسابرس پیرامون تداوم فعالیت را در ایالات متحده آمریکا بررسی نموده و دریافتند که شرکت‌های با رتبه اعتباری پایین، احتمال بیش‌تری دارد که اظهارنظری در مورد تداوم فعالیت دریافت کنند. فائکه [13] نیز در پژوهشی دریافت که رتبه اعتباری بر تصمیم حسابرس تأثیر می‌گذارد، زیرا حاوی اطلاعاتی است که اجازه می‌دهد تصمیم‌های واضح‌تر و دقیق‌تری به دست آورند. گزارش حسابرسی اطلاعات زیادی شامل قابلیت اطمینان و کیفیت داده‌های مالی به استفاده‌کنندگان منتقل می‌کند [30]. هم‌چنین، حسابرسان در گزارش‌های خود مواردی را آشکار می‌کنند که ممکن است وضعیت اقتصادی آینده را نشان دهد [20].

سطح رتبه اعتباری شرکت می‌تواند تجربه و تخصص در ارزیابی ارزش و اعتبار شرکت را توسعه دهد [31]. رتبه اعتباری بر هزینه بدهی شرکت، ساختار مالی و حتی توانایی آن برای ادامه فعالیت تأثیر می‌گذارد [32]. نقش اصلی رتبه اعتباری این است که عدم تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان در مورد ارزش اقتصادی شرکت و احتمال تنگنای مالی را کاهش دهد [33]. از این‌رو، عدم تقارن اطلاعاتی بین دو طرف را کاهش می‌دهد [34]. رتبه اعتباری اطلاعات مهم و مفیدی به بازار ارایه می‌دهد [35]. در نتیجه، رتبه اعتباری می‌تواند عدم قطعیت را برای حسابرسان کاهش دهد و می‌تواند در ارایه نظر به حسابرسان کمک کند [13]. با این وجود، صدور اظهارنظر توسط حسابرس برای شرکت‌های با رتبه اعتباری پایین منجر به خطر اقامه دعوی بیش‌تری علیه حسابرسان می‌شود [14].

فرضیه ۱- بین رتبه اعتباری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. حسابرسان انگیزه بیش‌تری برای صدور اظهارنظر تعدیل‌شده برای شرکت‌های با رتبه اعتباری پایین به دلیل حفاظت از اعتبار و اطمینان بیش‌تر نسبت به اظهارنظر خود دارند [14]. حسابرسان به منظور محافظت از شهرت خود، تشویق می‌شوند که نظر خود را مطابق با سیگنال‌های ارسال‌شده توسط سطح رتبه اعتباری منتشر کنند. رتبه اعتباری اطلاعات مفیدی برای حسابرسان به همراه دارد و تعدیل اظهارنظر حسابرس را کاهش می‌دهد؛ در نتیجه، رتبه اعتباری پایین یا کاهش در رتبه اعتباری با احتمال زیادی با صدور یک گزارش حسابرسی تعدیل‌شده همراه است [13].

فرضیه ۲- بین رتبه اعتباری و تعدیل اظهارنظر حسابرس، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

۳-۳- پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش در میان پژوهشگران داخلی نشان داد که برای نمونه، وظیفه‌دوست و همکاران [36] آزمون تأثیر عوامل راهبری شرکتی بر رتبه اعتباری در قالب مدل امتیاز بازار نوظهور را بررسی نمودند. یافته‌ها نشان داد که از بین عوامل راهبری شرکتی، صرفاً عوامل مرتبط با حقوق سهامداران رابطه مثبت و معناداری با رتبه اعتباری دارد؛ اما در ترکیب عوامل مزبور با سایر عوامل که در مجموع ساختار حاکمیتی شرکت را تشکیل می‌دهد، شواهدی پیرامون تأثیرگذاری بر رتبه اعتباری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مشاهده نشد. شعری و همکاران [37] نیز دریافتند که بین جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی و رتبه اعتباری رابطه معنی‌داری وجود ندارد، اما هزینه‌های تولید غیرعادی و مخارج اختیاری غیرعادی در سطح اطمینان ۹۵٪، رابطه منفی و معناداری با رتبه اعتباری شرکت‌های



پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. هم چنین، ابراهیم زاده و سعیدی [38] دریافتند که سازوکار مدیریت ریسک اعتباری با ارایه تخمین های قابل اتکا از رتبه اعتباری موجب می شود تخمین ذخایر از حالت تجربی و محافظه کارانه خارج شود که چنین وضعیتی به کاهش مقدار ذخایر و افزایش دقت تخمین ها منجر می شود. علی اکبری و وقفی [5] نیز دریافتند که رابطه مستقیم و معناداری بین سطح فناوری اطلاعات و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس وجود دارد و هم چنین، متغیر کیفیت حسابرسی با ضریب مثبت نقش تعدیل کنندگی مستقیم و معناداری بر رابطه بین سطح فناوری اطلاعات و احتمال خطر اقامه دعوا علیه حسابرس دارد. افزون بر آن، مشاهده شد که تخصص حسابرس بر رابطه بین سطح فناوری اطلاعات و احتمال خطر اقامه دعوا علیه حسابرس اثر معناداری ندارد.

بررسی پیشینه پژوهش های خارجی نیز نشان داد که برای نمونه، وانگ و یانگ [39] دریافتند که نوآوری یک مکانیسم مهم برای رشد اقتصادی است که باعث افزایش رتبه اعتباری در توسعه اقتصادی می شود. معلا و بایل [12] نیز دریافتند که با افزایش رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس کاهش می یابد. هی و شی [40] دریافتند که هر چه ریسک اقامه دعوا در شرکت بالاتر باشد، سطح عملکرد شرکت پایین تر است. هر چه سطح کنترل داخلی و پیگیری تحلیلگران بالاتر باشد نیز تاثیر ریسک اقامه دعوا بر عملکرد شرکت کاهش می یابد. اثر میانجی نشان می دهد که ریسک اقامه دعوا از طریق توانایی تامین مالی بدهی شرکت به طور منفی به عملکرد شرکت منتقل می شود.

بررسی پیشینه پژوهش نشان داد اگرچه در این زمینه پژوهش های ارزشمندی صورت گرفته و به یافته های مفیدی نیز دست یافته است، اما تاکنون در کشور هیچ پژوهشی به بررسی رابطه رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس نپرداخته است. در نتیجه، لازم است این مساله مورد آزمون تجربی قرار گیرد تا بتوان بر اساس یافته ها برنامه ریزی های بهتری انجام داد.

۴- روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش های کمی است که در آن از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده شده و بر اساس فرضیه ها و طرح های پژوهشی از قبل تعیین شده، انجام شده است. از این دسته پژوهش ها زمانی استفاده می شود که معیار اندازه گیری داده ها کمی است و برای استخراج نتیجه ها از روش های آماری استفاده می شود.

۴-۱- متغیرهای پژوهش

در این پژوهش از سه دسته متغیرهای وابسته (خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس)، مستقل (رتبه اعتباری) و کنترلی (در فرضیه (۱) پژوهش شامل نوسان بازده سهام، عملکرد و تمرکز مالکیت و در فرضیه (۲) پژوهش شامل اندازه موسسه حسابرسی، اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، تخصص کمیته حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی) به شرح زیر استفاده شد.

خطر اقامه دعوا علیه حسابرس

چون خطر اقامه دعوا علیه حسابرس با عوامل زیادی مرتبط است، لذا لازم است از یک الگوی جامع برای بررسی آن استفاده شود. بر مبنای یافته های صورت گرفته مانند شو [6] و به پیروی از پژوهش های کریشنا و ژانگ [41] و جبارزاده و همکاران [42]، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس به صورت رابطه (۱) بررسی می شود

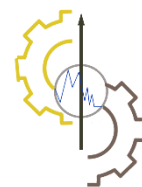
$$LITSCORE = 0.276 * SIZE + 1.153 * INV + 2.075 * REC + 1.251 * ROA + 1.0501 * LEV + 0.301 * GROWTH - 0.371 * RET + 0.235 - 10.049. \quad (1)$$

در این رابطه:

$LITSCORE$ = نمره اقامه دعوا شرکت.

$SIZE$ = لگاریتم طبیعی مجموع دارایی ها در پایان سال.

INV = تقسیم موجودی بر مجموع دارایی های پایان سال.



REC = تقسیم حساب‌های دریافتی بر مجموع دارایی‌های پایان سال.

ROA = درآمد خالص در سال که تا میانگین مجموع دارایی‌ها کاهش یافته است.

LEV = تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارایی‌ها.

$GROWTH$ = تغییر در فروش‌ها از سال قبل تا سال جاری تقسیم بر فروش‌های سال قبل.

RET = بازده سهام مرکب تا پایان سال و آخرین روز سال مالی.

با استفاده از رابطه (۱)، سال شرکت‌های موردبررسی به گروه با خطر اقامه دعوا یا بدون خطر اقامه دعوا تقسیم می‌شود. در صورتی که میزان نمره اقامه دعوی یک شرکت بالاتر از میانگین شرکت‌های نمونه باشد در گروه با خطر اقامه دعوا (عدد یک) و در صورتی که میزان نمره اقامه دعوی یک شرکت پایین‌تر از میانگین شرکت‌های نمونه باشد، در گروه بدون خطر اقامه دعوا (عدد صفر) قرار خواهد گرفت.

تعدیل اظهارنظر حسابرِس

طبق بند دوم استاندارد حسابرسی ۷۰۵ ایران، به اظهارنظرهای مشروط، مردود و عدم اظهارنظر، اظهارنظرهای تعدیل‌شده می‌گویند و اظهارنظر مقبول را اظهارنظر تعدیل نشده بیان می‌کنند. اگر اظهارنظر حسابرِس مقبول باشد (اظهارنظر تعدیل نشده) صفر در غیر این صورت یک خواهد بود [12].

رتبه اعتباری

در این پژوهش، به منظور سنجش رتبه اعتباری، ابتدا باید امتیاز بازار نوظهور با استفاده از رابطه (۲) اندازه‌گیری شود [37]

$$EMS = 3.25 + 6.56X_1 + 3.26X_2 + 6.72X_3 + 1.05X_4. \quad (2)$$

در این رابطه:

- X_1 : نسبت سرمایه در گردش به مجموع دارایی‌ها.
- X_2 : نسبت سود انباشته به مجموع دارایی‌ها.
- X_3 : نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها.
- X_4 : نسبت ارزش دفتری مجموع حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی‌ها.

پس از محاسبه امتیاز بازار نوظهور، رتبه اعتباری معادل آن با استفاده از جدول ۱ به دست می‌آید:

شاخص رتبه اعتباری به پیروی از پژوهش شعری و همکاران [37]، متغیری مجازی است که امتیاز تخصیص‌یافته به رتبه اعتباری را نشان می‌دهد. مقدار این متغیر برای شرکت‌هایی که دارای رتبه AAA هستند، عدد ۷، برای شرکت‌هایی که دارای رتبه‌های AA+ یا AA یا AA- هستند، عدد ۶، برای شرکت‌هایی که دارای رتبه‌های A+ یا A یا A- هستند، عدد ۵، برای شرکت‌هایی که دارای رتبه‌های BBB+ یا BBB یا BBB- هستند، عدد ۴، برای شرکت‌هایی که دارای رتبه‌ها BB+ یا BB یا BB- هستند، عدد ۳، برای شرکت‌هایی که دارای رتبه‌های B+ یا B یا B- هستند، عدد ۲ و برای شرکت‌هایی که در منطقه درماندگی مالی (سطح سوداگرانه) قرار دارند (رتبه‌های CCC+ یا CCC یا CCC- یا D)، عدد ۱ است.

جدول ۱- امتیازدهی رتبه اعتباری [37].
Table 1- Credit rating scoring [37].

رتبه اعتباری معادل	امتیاز بازار نوظهور	سطح رتبه‌بندی شده شرکت‌ها
AAA	≥ 8.15	سطح سرمایه‌گذاری خوب (منطقه سلامت مالی)
AA+	7.60-8.15	
AA	7.30-7.60	
AA-	7.00-7.30	
A+	6.85-7.00	
A	6.60-6.85	
A-	6.40-6.60	
BBB+	6.25-6.40	
BBB	5.85-6.25	
BBB-	5.65-5.85	
BB+	5.25-5.65	سطح سرمایه‌گذاری پایین (منطقه تردید)
BB	4.95-5.25	
BB-	4.75-4.95	
B+	4.50-4.75	
B	4.15-4.50	
B-	3.75-4.15	
CCC+	3.20-3.75	سطح سودا گرانه (منطقه درماندگی مالی)
CCC	2.50-3.20	
CCC-	1.75-2.50	
D	≤ 1.75	

قابل ذکر است، شرکت‌هایی که امتیاز ۱ گرفته‌اند، شرکت‌های رتبه‌بندی شده در سطح سوداگرانه (منطقه درماندگی مالی) هستند. شرکت‌هایی که امتیاز ۲ و ۳ گرفته‌اند، شرکت‌های رتبه‌بندی شده در سطح سرمایه‌گذاری پایین (منطقه تردید) هستند. شرکت‌هایی که امتیاز ۴، ۵، ۶ و ۷ گرفته‌اند، شرکت‌های رتبه‌بندی شده در سطح سرمایه‌گذاری خوب (منطقه سلامت مالی) هستند.

نوسان بازده سهام

آن دسته از شرکت‌هایی که نوسان بازده سهام آن‌ها بیش‌تر است، فرصت بیش‌تری را به شاکیان جهت بازیافت کردن زیان خود از طریق نسبت دادن آن به گزارش نادرست حسابرِس، فراهم می‌آورد [43]. وی معتقد است با افزایش نوسانات بازده سهام، تعداد سهامداران زیان‌دیده و احتمال تحمیل زیان بر آن‌ها، افزایش یافته و این امر باعث افزایش خطر اقامه دعوا علیه حسابرِس خواهد شد. این متغیر با استفاده از انحراف معیار بازده روزانه سهام به صورت رابطه (۳) تهیه می‌شود [44].

$$\text{var} = \sqrt{\frac{1}{D_{it}-1} \sum_1^{D_{it}} (R_i - \bar{R})^2}. \quad (3)$$

در آن R_i بازده روزانه سهام شرکت i است به گونه‌ای که اگر P_t قیمت پایانی روز t باشد، با توجه به رابطه (۴) خواهیم داشت:

$$R_i = \frac{P_t - P_{t-1}}{P_{t-1}}. \quad (4)$$

که D_{it} تعداد روزهایی از سال t است که برای آن بازده روزانه سهام شرکت i محاسبه شده است.

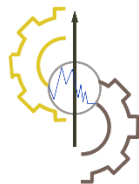
عملکرد

عملکرد ضعیف می‌تواند منجر به تحریک اشخاص به شکایت علیه حسابرِس شود. در سال‌های اخیر تاثیر گزارش حسابرِس بر قیمت سهام شرکت و در نتیجه، بر جذب سرمایه‌گذاران بسیار افزایش یافته و این امر باعث شده تا موضوع مسئولیت بالقوه حسابرِس در قبال کاهش میزان جذب سرمایه‌گذاران به یک دغدغه اساسی تبدیل شود [8]. یافته‌های دیگر نیز نشان داد در شرکت‌هایی که عملکرد آن‌ها پایین است، احتمال شکایت علیه حسابرِس به گونه زیادی افزایش می‌یابد [45]. برای ارزیابی عملکرد، از نسبت Q توین استفاده شد که بر اساس رابطه (۵) محاسبه می‌شود [46].

$$Q_t = \frac{MVA_t + PS_t + Debt_t}{TAB_t}. \quad (5)$$

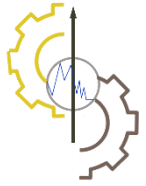
در این رابطه:

- MVA : ارزش بازار حقوق صاحبان سهام عادی.
- $Debt$: مبلغ دفتری مجموع بدهی‌ها.
- PS : ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ممتاز.



از آنجا که در ایران سهام ممتاز وجود ندارد، لذا در محاسبه، تنها ارزش بازار حقوق صاحبان سهام عادی لحاظ می شود.

تمرکز مالکیت



۲۹۶

بر اساس یافته‌های پیشین، شرکت‌های بیمه به پراکنده بودن مالکیت صاحب‌کاران حساس‌تر توجه کرده و هنگام برآورد میزان خطر اقامه دعوا علیه حساب‌رسان، آن را به‌عنوان یکی از عوامل مهم در نظر می‌گیرند [8]. از این رو، گفته می‌شود که با افزایش پراکندگی مالکیت شرکت‌ها، تعداد شاکیان بالقوه حساس‌تری افزایش یافته و این امر، منجر به افزایش خطر اقامه دعوا علیه حساب‌رسان می‌شود. برای محاسبه تمرکز مالکیت، از شاخص هرfindال-هیرشمن استفاده شد. شاخص هرfindال-هیرشمن از جمع توان دوم سهم بازار تمامی بنگاه‌های فعال در صنعت به‌صورت رابطه (۶) به دست می‌آید [47].

$$HHI = \sum_{i=1}^k S_i^2. \quad (6)$$

در این رابطه:

K = تعداد بنگاه‌های فعال در بازار،

S_i = سهم بازار شرکت i که به‌وسیله رابطه (۷) به دست می‌آید.

$$S_i = X_i / \sum_{j=1}^n X_j. \quad (7)$$

در این رابطه، فروش شرکت i و 1 نشان‌دهنده نوع صنعت است. لازم به ذکر است که این شاخص هرچه بزرگ‌تر باشد، نشان‌دهنده تمرکز بیش‌تر است.

اندازه موسسه حساس‌ری

شرکت‌های بزرگ حساس‌ری، در حالت کلی توانایی فنی و تخصص لازم برای انجام مأموریت حساس‌ری و برطرف کردن نیازهای مشتریان را در کوتاه‌مدت، دارند. در نتیجه، این انتظار وجود دارد که شرکت‌های بزرگ حساس‌ری، خدمات باکیفیت‌تری ارائه دهند تا بتوانند خود را از سایر شرکت‌های حساس‌ری متمایز نموده و مشتریان بیش‌تری داشته باشند [48]. در نتیجه، این انتظار وجود دارد که شرکت‌های بزرگ تعدیل اظهار نظر کم‌تری داشته باشند. برای بررسی این موضوع نیز سازمان حساس‌ری و موسسه مفید راهبر به‌عنوان موسسه حساس‌ری بزرگ و سایر موسسه‌های حساس‌ری معتمد بورس، به‌عنوان موسسه‌های کوچک در نظر گرفته شده است. در نتیجه، چنان‌چه سازمان حساس‌ری و موسسه مفید راهبر به‌عنوان حساس‌ری شرکت باشد متغیر یک و در غیر این صورت، متغیر صفر در نظر گرفته خواهد شد.

اندازه هیات‌مدیره

در ادبیات مربوط به راهبری شرکتی، اندازه هیات‌مدیره به‌عنوان سازوکار مرتبطی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند شفافیت اطلاعات را از لحاظ اعتبار و نیز افشای باکیفیت‌تر بهبود بخشد. در این زمینه، هیات‌مدیره‌های بزرگ‌تر مطلوب‌تر هستند، زیرا میزان تخصص و منابع در دسترس شرکت را افزایش می‌دهند [49]. در مقابل، آرکی و واکوئر [50] بیان می‌دارند که تعداد محدود اعضای هیات‌مدیره می‌تواند تبادل افکار بین اعضای هیات‌مدیره را افزایش داده و انعطاف تصمیم‌گیری را بیش‌تر کند. در نتیجه، این انتظار وجود دارد که با افزایش اندازه هیات‌مدیره، تعدیل اظهار نظر حساس‌ری کاهش یابد. اندازه هیات‌مدیره توسط تعداد اعضای هیات‌مدیره نشان داده می‌شود.

استقلال هیات‌مدیره

بنا به عقیده فاما و جنسن [51] وجود مدیران مستقل در هیات‌مدیره می‌تواند تاثیر به‌سزایی در کارآمدی فعالیت‌های نظارتی هیات‌مدیره در راستای محدود کردن فرصت‌طلبی مدیران داشته باشد. مدیران مستقل می‌توانند نقشی اساسی در حل مشکل نمایندگی بین مدیران و سهامداران داشته باشند. در نتیجه، هیات‌مدیره با استقلال بیش‌تر می‌تواند موانع لازم برای بهبود گزارش‌دهی مالی شرکت را برطرف کند.

برای نمونه، ساماها و دحاوی [52] بیان می‌دارند که استقلال هیات‌مدیره، سبب بهبود گزارش‌دهی شرکت می‌شود. لذا، این انتظار وجود دارد که استقلال هیات‌مدیره به کارایی حسابرسی کمک کرده و ابزارهای موردنیاز برای بهبود کار حسابرسان را در اختیار وی قرار دهد [48] تا بتواند تعدیل اظهارنظر کم‌تری داشته باشد. استقلال هیات‌مدیره توسط درصد مدیران مستقل در هیات‌مدیره نشان داده می‌شود.

تخصص کمیته حسابرسی

یکی از عوامل مهمی که بیان می‌شود بر شفافیت شرکت تاثیر دارد، فعالیت کمیته حسابرسی است. در گزارش کمیته بلوریون [53] آمده که یکی از نقش‌های مهم فعالیت‌های نظارتی هیات‌مدیره، توسط کمیته حسابرسی ایفا می‌شود. مک‌مولن و راگوناندان [54] نیز دریافتند که وجود کمیته حسابرسی از طریق کاهش خطاها و ناهنجاری‌های قابل‌توجه، به بهبود اطمینان اظهارنامه‌های مالی کمک می‌کند. هم‌چنین، در جلسه کمیته حسابرسی مشکل‌های موجود در فرایند گزارش‌دهی مالی شناسایی می‌شوند [55]. لذا در صورتی که اعضای حاضر تخصص مرتبط داشته باشند، بهتر می‌توانند مشکل‌ها را حل نموده و اظهارنظر دقیق‌تری ارائه نمایند و از تعدیل اظهارنظر خود بکاهند. تخصص اعضای کمیته حسابرسی بیانگر تعداد اعضای کمیته حسابرسی است که در زمینه حسابداری، حسابرسی و مالی فعالیت دارند و دارای علم و دانش تخصصی هستند [56]. فرد متخصص، فردی است که مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی، حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی، همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی دارد [57].

استقلال کمیته حسابرسی

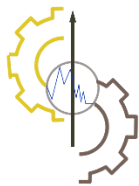
بر اساس تئوری نمایندگی، کمیته حسابرسی با دارا بودن درصد بالاتری از مدیران خارجی (غیرموظف) در انجام نقش‌ها و مسئولیت‌های خود، کم‌تر با خطر مواجه می‌شوند [58]. هم‌چنین، سولتان و همکاران [59] معتقدند که اقدام‌های کمیته حسابرسی با استقلال بیش‌تر، به احتمال فراوان در راستای بهبود دقت گزارش حسابرسی و کاهش تعدیل اظهارنظر حسابرسان است. استقلال کمیته حسابرسی یک متغیر دوارزشی صفر و یک است که اگر نسبت تعداد اعضای هیات‌مدیره عضو کمیته حسابرسی (به جز اعضای غیرموظف) به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی کم‌تر از ۰/۵ باشد، بیانگر استقلال نسبی است و مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر است [56]. عضو مستقل کمیته حسابرسی عضوی است که فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم با سایرین است که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار باشد و موجب جانب‌داری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذی‌نفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران شود [57].

۴-۲- جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش کل جامعه موردنظر انتخاب شده و سپس با اعمال محدودیت‌های زیر نمونه آماری مشخص شد. برای این منظور، ۵ معیار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را داشته باشد، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است.

۱. شرکت قبل از سال ۱۳۹۶ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۴۰۰ در بورس فعال باشد.
۲. به دلیل ماهیت خاص فعالیت شرکت‌های هلدینگ، واسطه‌گری‌های مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تفاوت زیاد ماهیت آن‌ها با شرکت‌های تولیدی و بازرگانی، شرکت برگزیده از صنایع یادشده نباشد.
۳. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت منتهی به انتهای اسفند باشد و در بازه زمانی مورد مطالعه، تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداشته باشد.
۴. صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه شرکت‌ها در بازه زمانی مذکور به گونه‌ای کامل در وب‌گاه بورس اوراق بهادار موجود باشد.
۵. معامله سهام آن‌ها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.

بر اساس معیارهای بالا، ۱۵۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد.



۵-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول ۲ آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌شود. لازم به ذکر است که تعداد مشاهده‌های مورد بررسی برای محاسبه متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی ذکر شده، ۷۹۰ سال-شرکت است.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش.

Table 2- Descriptive statistics of research variables.

نام متغیر	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
خطر اقامه دعوا علیه حسابرسان	-	1	0	-
تعدیل اظهارنظر حسابرس	-	1	0	-
رتبه اعتباری	4	7	2	0.2684
نوسان بازده سهام	0.0283	0.0894	0.0031	0.0568
عملکرد	1.2348	1.5571	0.9034	0.2738
تمرکز مالکیت	0.3721	0.9572	0.0071	0.2369
اندازه موسسه حسابرسی	-	1	0	-
اندازه هیات‌مدیره	5.3360	7	5	0.2246
استقلال هیات‌مدیره	0.6830	1	0	0.1921
تخصص کمیته حسابرسی	2.3716	7	0	0.8427
استقلال کمیته حسابرسی	-	1	0	-

لازم به ذکر است که با توجه به اسمی بودن متغیرهای خطر اقامه دعوا علیه حسابرسان، تعدیل اظهارنظر حسابرس، اندازه موسسه حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی، میانگین و انحراف معیار آن قابل محاسبه نبوده و لذا ارایه نشده است. افزون بر آن، متغیر تمرکز مالکیت نشان‌دهنده آن است که در شرکت‌های مورد بررسی به گونه متوسط ۳۷٪ تمرکز مالکیت وجود دارد. هم‌چنین، هیات‌مدیره نیز در بیش از نصف شرکت‌های مورد بررسی مستقل بوده است.

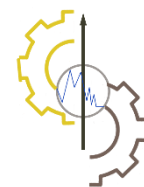
۵-۲- آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش با توجه به اینکه متغیر وابسته، طبقه‌ای و دارای دو ارزش (صفر و یک) است، از رگرسیون لجستیک برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. رگرسیون لجستیک پیش‌شرط‌های انجام رگرسیون خطی مانند وجود رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته، همسانی واریانس متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، توزیع نرمال متغیر وابسته و باقیمانده‌ها یا خطای اندازه‌گیری مدل را نیاز ندارد [60]. از نرم‌افزار Eviews نسخه ۱۰ نیز برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. جدول ۳، یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه (۱) پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳- یافته‌های تخمین الگوهای رگرسیون مربوط به آزمون فرضیه (۱) پژوهش.

Table 3- Findings of estimation of regression models related to the test of the research hypothesis (2).

متغیر وابسته: خطر اقامه دعوا علیه حسابرس				
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	معناداری
رتبه اعتباری	-1.8996	0.5732	-3.3142	0.0008
نوسان بازده سهام	-0.3922	0.2113	-1.8566	0.1283
عملکرد	.21680	0.1361	1.5934	0.2033
تمرکز مالکیت	-1.1528	0.4039	-2.8543	0.0123
مقدار ثابت	0.7854	0.9446	0.8315	0.3456
ضریب تعیین	0.4808			
آماره Z	7.4099			
معناداری آماره Z	0.0000			
لگاریتم درست نمایی مقید	-11.7461			



یافته‌های فرضیه (۱) پژوهشی حاصل حاکی از آن است که بین رتبه اعتباری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس کاهش می‌یابد. هم‌چنین، با افزایش تمرکز مالکیت (کاهش پراکندگی) نیز خطر اقامه دعوا علیه حسابرس کاهش خواهد یافت.

جدول ۴ نیز یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه (۲) پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴- یافته‌های تخمین الگوهای رگرسیون مربوط به آزمون فرضیه (۲) پژوهش.

Table 4- Findings of estimation of regression models related to the test of the hypothesis (2) of the research.

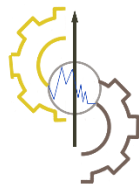
متغیر وابسته: تعدیل اظهارنظر حسابرس				
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	معناداری
رتبه اعتباری	-3.1077	0.9938	-3.1271	0.0023
اندازه موسسه حسابرسی	0.4897	0.5414	0.9044	0.6534
اندازه هیات‌مدیره	-0.7989	0.6022	-1.3267	0.2008
استقلال هیات‌مدیره	-2.3681	0.8361	-2.8324	0.0153
تخصص کمیته حسابرسی	-5.5807	1.3004	-4.2916	0.0000
استقلال کمیته حسابرسی	1.4093	0.7532	1.8711	0.0691
مقدار ثابت	0.3057	0.4001	0.7642	0.8661
ضریب تعیین	0.4128			
آماره Z	9.1694			
معناداری آماره Z	0.0000			
لگاریتم درست نمایی مقید	-12.3084			

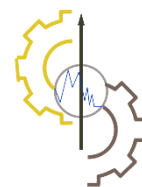
بین رتبه اعتباری و تعدیل اظهارنظر حسابرس رابطه منفی و معناداری وجود دارد. افزون بر آن، با افزایش استقلال هیات‌مدیره و تخصص کمیته حسابرسی، تعدیل اظهارنظر حسابرس کاهش می‌یابد.

۶- نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، رابطه رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس است. بر اساس یافته‌های پژوهش، موارد حاصل از بررسی خودهمبستگی جمله‌های خطا با استفاده از آماره دوربین و اتسون نشان‌دهنده نبود خطای خودهمبستگی است. هم‌چنین، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که فرضیه معنادار نبودن کل الگو (صفر بودن تمام ضرایب) رد می‌شود و الگوی رگرسیون برآورده شده در کل معنادار است. از سوی دیگر، بررسی ضریب تعیین تعدیل شده متغیرهای موردبررسی نیز نشان داد که حداکثر ۴۸٪ از تغییرهای خطر اقامه دعوا علیه حسابرس را می‌توان با استفاده از رتبه اعتباری تبیین کرد. هم‌چنین، بین رتبه اعتباری و تعدیل اظهارنظر حسابرس نیز رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه (۱) پژوهش به بررسی رابطه رتبه اعتباری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس پرداخت که رابطه منفی و معناداری مشاهده شد. از آن‌جا که رتبه اعتباری بر تصمیم حسابرس تأثیر می‌گذارد و حاوی اطلاعاتی است که اجازه می‌دهد استفاده‌کنندگان اطلاعات واضح‌تر و دقیق‌تری به دست آورند. رتبه اعتباری عدم تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان در مورد ارزش اقتصادی شرکت و احتمال تنگنای مالی را کاهش دهد و اطلاعات مهم و مفیدی به بازار ارایه می‌دهد. در نتیجه، رتبه اعتباری می‌تواند عدم قطعیت را برای حسابرسان کاهش دهد و می‌تواند در ارایه نظر به حسابرسان کمک کنند. با توجه به مطالب بیان‌شده، صدور اظهارنظر توسط حسابرس برای شرکت‌های با رتبه اعتباری پایین منجر به خطر اقامه دعوی بیش‌تری علیه حسابرسان می‌شود. یافته‌های این بخش هم‌سو با یافته‌های فلدمن و رید [14] و معلا و بایل [12] است. یافته‌های مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان‌دهنده آن است که در **فرضیه (۱)** پژوهش، بین تمرکز مالکیت و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس رابطه منفی و معناداری وجود دارد، زیرا با افزایش تمرکز مالکیت (کاهش پراکندگی)، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس کاهش می‌یابد. این یافته هم‌سو با یافته‌های بادرستچر و همکاران [8] است.





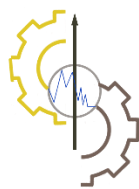
در فرضیه (۲) پژوهش نیز مشاهده شد که با افزایش اعتبار تجاری، تعدیل اظهارنظر حسابرسی کاهش می‌یابد. حسابرسان انگیزه بیش‌تری برای صدور اظهارنظر تعدیل‌شده برای شرکت‌های با رتبه اعتباری پایین به دلیل حفاظت از اعتبار و اطمینان بیش‌تر نسبت به اظهارنظر خود دارند. حسابرسان به‌منظور محافظت از شهرت خود، تشویق می‌شوند که نظر خود را مطابق با سیگنال‌های ارسال‌شده توسط سطح رتبه اعتباری منتشر کنند. رتبه اعتباری اطلاعات مفیدی برای حسابرسان به همراه دارد و بنابراین، تعدیل اظهارنظر حسابرسان را کاهش می‌دهد. درنتیجه، رتبه اعتباری پایین یا کاهش در رتبه اعتباری با احتمال زیادی با صدور یک گزارش حسابرسی تعدیل‌شده همراه است. یافته‌های این بخش نیز هم‌سو با یافته‌های فلدمن و رید [14]، فانکه [13] و معلا و بایل [12] است.

بررسی متغیرهای کنترلی فرضیه (۲) نیز نشان داد که به افزایش استقلال هیات‌مدیره، تعدیل اظهارنظر حسابرسان کاهش می‌یابد. مدیران مستقل می‌توانند نقشی اساسی در حل مشکل نمایندگی بین مدیران و سهامداران داشته باشند و درنتیجه، هیات‌مدیره با استقلال بیش‌تر می‌تواند موانع لازم برای بهبود گزارش‌دهی مالی شرکت را برطرف کند و موجب بهبود گزارش‌دهی شرکت و کاهش تعدیل اظهارنظر حسابرسان شود. هم‌چنین، با افزایش تخصص کمیته حسابرسی، تعدیل اظهارنظر حسابرسان کاهش می‌یابد، زیرا در صورتی که اعضای کمیته حسابرسی تخصص مرتبط داشته باشند، بهتر می‌توانند مشکل‌ها را حل نموده و اظهارنظر دقیق‌تری ارائه نمایند و موجب کاهش اظهارنظر تعدیل‌شده حسابرسان شود.

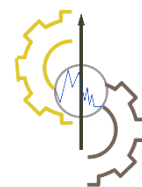
با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود با افزایش تعداد نمونه، موضوع مورد بررسی قرار گیرد؛ هم‌چنین، شرکت‌ها و موسسه‌های حسابرسی در راستای کاهش خطر اقامه دعوا علیه حسابرسان، برنامه ریزی‌های بهتری را انجام دهند تا موجب افزایش حیثیت حرفه‌ای نیز شود. هم‌چنین، در راستای دقت در بررسی حسابرسی و تعدیل اظهارنظر حسابرسان، توجه بیش‌ازپیش به رتبه اعتباری شرکت داشته باشند. هم‌چنین، به نهادهای ناظر مانند بورس اوراق بهادار نیز توصیه می‌شود سازوکار مشخصی برای افزایش رتبه اعتباری شرکت در نظر گیرد. به پژوهشگران آتی نیز توصیه می‌شود تا به بررسی ارتباط رتبه اعتباری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، نوع صنعت و ریسک سقوط سهام بپردازند تا عوامل متأثر از رتبه اعتباری به‌صورت بهتری شناسایی شود. این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی بوده است که محدودیت در تعداد نمونه و دوره بررسی و کنترل متغیرهایی که دارای اثر بر متغیرهای وابسته داشته‌اند، از این دست عوامل است که در تعمیم یافته‌ها باید به آن توجه نمود.

منابع

- [1] Hwang, R.-C., Chung, H., & Chu, C. K. (2010). Predicting issuer credit ratings using a semiparametric method. *Journal of empirical finance*, 17(1), 120–137.
- [2] Kasra, B. (2011). *Credit rating firms come to the aid of shareholders, a report on capital market transparency*. <https://www.magiran.com/article/2626295>
- [3] Mahmoud Abadi, H., & Ghayouri Moghaddam, A. (2011). Credit rating in terms of financial ability to pay the principle and interest on debts, using data envelopment analysis techniques (case study: companies listed in Tehran stock exchange). *Journal of accounting knowledge*, 2(4), 125-145. (In Persian). DOI: 10.22103/jak.2011.37
- [4] Byrnes, P. E., Ames, B., Vasarhelyi, M. A., & Warren, D. (2015). *The current state of continuous auditing and continuous monitoring*. AICPA (Ed.), audit analytics and continuous audit: looking towards the future, american institute of certified accountants, New York. <http://dx.doi.org/10.2308/jeta-10490>
- [5] Ali Akbari, A., & Vafqi, S. H. (2023). Analyzing the level of information technology on the probability of a lawsuit against the auditor, emphasizing the role of audit quality and auditor expertise. *Journal of judgment and decision making in accounting and auditing*, 1(1), 91-112. (In Persian). <https://doi.org/10.30495/jdaa.2022.691738>
- [6] Shu, S. Z. (2000). Auditor resignations: Clientele effects and legal liability. *Journal of accounting and economics*, 29(2), 173–205.
- [7] Pratt, J., & Stice, J. D. (1994). The effects of client characteristics on auditor litigation risk judgments, required audit evidence, and recommended audit fees. *Accounting review*, 69(4), 639–656.
- [8] Badertscher, B., Jorgensen, B. N., Katz, S. P., & Kinney, Jr., W. R. (2013). Litigation risk and audit pricing: the role of public equity. *SSRN electronic journal*, 52(2), 303–339. DOI: 10.2139/ssrn.2196253
- [9] Seetharaman, A., Gul, F. A., & Lynn, S. G. (2002). Litigation risk and audit fees: Evidence from UK firms cross-listed on US markets. *Journal of accounting and economics*, 33(1), 91–115.
- [10] Ghadimpoor, J., & Dastghir, M. (2016). Investigating the effects of litigation risk factors on audit fee. *Financial accounting research*, 8(4), 37–54.
- [11] Hassas Yeganeh, Y., & Madanie, M. H. (2004). The effect of independent auditor's report on creditor's decision making. *Empirical studies in financial accounting*, 2(6), 113–127.
- [12] Moalla, H., & Baili, R. (2019). Credit ratings and audit opinion: evidence from Tunisia. *Journal of accounting in emerging economies*, 9(1), 103–125.



- [13] Funcke, N. (2015). *Credit ratings & the auditor's going-concern opinion: the interplay of information intermediaries' signals* [Phd thesis, Maastricht University].
https://cris.maastrichtuniversity.nl/ws/portalfiles/portal/31352486/1183975.pdf_valorisation.pdf.
- [14] Feldmann, D., & Read, W. J. (2013). Going-concern audit opinions for bankrupt companies--impact of credit rating. *Managerial auditing journal*, 28(4), 345–363.
- [15] Poor, H. V. (2010). *Guide to credit rating essentials what are credit ratings and how do they work? understanding ratings*. www.standardandpoors.com/usratingsfees.
- [16] Langohr, H., & Langohr, P. (2010). *The rating agencies and their credit ratings: what they are, how they work, and why they are relevant*. John Wiley & Sons.
- [17] Al-Malkawi, H.-A. N., Pillai, R., & Bhatti, M. I. (2014). Corporate governance practices in emerging markets: The case of GCC countries. *Economic modelling*, 38, 133–141.
- [18] Lam, K. C. K., & Mensah, Y. M. (2006). Auditors' decision-making under going-concern uncertainties in low litigation-risk environments: Evidence from Hong Kong. *Journal of accounting and public policy*, 25(6), 706–739.
- [19] Mathuva, D. (2015). The determinants of forward-looking disclosures in interim reports for non-financial firms: Evidence from a developing country. *International journal of accounting and financial reporting*, 2(2), 2162–3082.
- [20] Firth, M. (1978). Qualified audit reports: their impact on investment decisions. *Accounting review*, 53(3), 642–650.
- [21] Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1919). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. In *Corporate governance* (pp. 77–132). Gower.
- [22] Chow, C. W. (1982). The demand for external auditing: Size, debt and ownership influences. *Accounting review*, 57(2), 272–291.
- [23] Spathis, C. T. (2003). Audit qualification, firm litigation, and financial information: an empirical analysis in Greece. *International journal of auditing*, 7(1), 71–85.
- [24] Watts, R., & J. Zimmerman. (1981). *The market for independence and independent auditors*.
<https://urresearch.rochester.edu/institutionalPublicationPublicView.action?institutionalItemId=4475>
- [25] Connelly, B. L., Certo, S. T., Ireland, R. D., & Reutzel, C. R. (2011). Signaling theory: A review and assessment. *Journal of management*, 37(1), 39–67.
- [26] Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of accounting and economics*, 31(1–3), 405–440.
- [27] Butler, M., Leone, A. J., & Willenborg, M. (2004). An empirical analysis of auditor reporting and its association with abnormal accruals. *Journal of accounting and economics*, 37(2), 139–165.
- [28] Czarnitzki, D., & Kraft, K. (2007). Are credit ratings valuable information? *Applied financial economics*, 17(13), 1061–1070.
- [29] Cha, M., Hwang, K., Yeo, Y., & others. (2016). Relationship between audit opinion and credit rating: evidence from Korea. *Journal of applied business research (JABR)*, 32(2), 621–634.
- [30] Chen, P. F., He, S., Ma, Z., & Stice, D. (2016). The information role of audit opinions in debt contracting. *Journal of accounting and economics*, 61(1), 121–144.
- [31] Raimbourg, P. (2003). The challenges of financial rating. *French management review*, 147(6), 67–76.
- [32] Gray, S., Mirkovic, A., & Ragunathan, V. (2006). The determinants of credit ratings: Australian evidence. *Australian journal of management*, 31(2), 333–354.
- [33] Adams, M., Burton, B., & Hardwick, P. (2003). The determinants of credit ratings in the United Kingdom insurance industry. *Journal of business finance & accounting*, 30(3–4), 539–572.
- [34] Frost, C. A. (2007). Credit rating agencies in capital markets: A review of research evidence on selected criticisms of the agencies. *Journal of accounting, auditing & finance*, 22(3), 469–492.
- [35] Pasiouras, F., Gaganis, C., & Zopounidis, C. (2006). The impact of bank regulations, supervision, market structure, and bank characteristics on individual bank ratings: A cross-country analysis. *Review of quantitative finance and accounting*, 27, 403–438.
- [36] Vazifehdust, H., Ahmadvand, M., & Sadehvand, M. J. (2016). Examining the effect of corporate governance indicators on credit ratings with regard to the ems model (case study: Tehran stock exchange). *Financial knowledge of securities analysis*, 9(30), 95–113. **(In Persian)**.
<https://sanad.iau.ir/journal/jfksa/Article/9199?jid=9199&lang=en>
- [37] Sheri, S., Ahmadvand, M., & Larijani, R. (2018). Real activities earnings management and credit ratings. *Empirical research in accounting*, 7(4), 117–145. **(In Persian)**.
https://jera.alzahra.ac.ir/article_3069_40df0184df96885289b5918d5ac2b636.pdf
- [38] Ebrahimzadeh, A., & Saeedi, P. (2017). Analyzing credit risk and its relationship with the credit rating of the company: TP Bin. *Management, accounting and economics quarterly*, 1(3), 70–83. **(In Persian)**.
<https://www.tpbin.com/jarticle/3336>
- [39] Wang, R., & Yang, S. (2023). Credit ratings and firm innovation: Evidence from sovereign downgrades. *Journal of banking & finance*, 148, 106719. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2022.106719>
- [40] He, H., & Shi, W. (2023). Enterprise litigation risk and enterprise performance. *Finance research letters*, 55, 103783. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2023.103783>
- [41] Krishnan, J., & Zhang, Y. (2005). Auditor litigation risk and corporate disclosure of quarterly review report. *Auditing: a journal of practice & theory*, 24(s-1), 115–138.
- [42] Jabarzadeh Kangarloui, S., Sabzevari, S., & Motevasel, M. (2013). Investigating the relationship between audit quality and filing a lawsuit against the auditor in Tehran Stock Exchange. *Audit knowledge*, 56(14), 69–86. **(In Persian)**. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1327105>



- [43] Stice, J. D. (1991). Using financial and market information to identify pre-engagement factors associated with lawsuits against auditors. *Accounting review*, 66(3), 516–533.
- [44] Fakhari, H., & Taheri, E. (2011). The study of relationship between institutional investors and stock returns volatility. *Financial accounting research*, 2(4), 159–172.
- [45] Lys, T., & Watts, R. L. (1994). Lawsuits against auditors. *Journal of accounting research*, 32, 65. DOI: 10.2307/2491440
- [46] Wang, G. Y., & others. (2010). The impacts of free cash flows and agency costs on firm performance. *Journal of service science and management*, 3(4), 408–418.
- [47] Chen, J., & Dhiensiri, N. (2009). Determinants of dividend policy: The evidence from New Zealand. *International research journal of finance and economics*, 34, 18–28.
- [48] Samaha, K., & Khlif, H. (2017). Audit-related attributes, regulatory reforms and timely disclosure: Further evidence from an emerging market. *Journal of financial reporting and accounting*, 15(2), 158–179.
- [49] Hidalgo, R. L., Garcia Meca, E., & Martinez, I. (2011). Corporate governance and intellectual capital disclosure. *Journal of business ethics*, 100, 483–495.
- [50] Arcay, M. R. B., & Vázquez, M. F. M. (2005). Corporate characteristics, governance rules and the extent of voluntary disclosure in Spain. *Advances in accounting*, 21, 299–331.
- [51] Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The journal of law and economics*, 26(2), 301–325.
- [52] Samaha, K., & Dahawy, K. (2011). An empirical analysis of corporate governance structures and voluntary corporate disclosure in volatile capital markets: The Egyptian experience. *International journal of accounting, auditing and performance evaluation*, 7(1–2), 61–93.
- [53] BRC. (1999). *Report and recommendations of the blue ribbon committee (BRC) on improving the effectiveness of corporate audit committees*. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2586836>
- [54] McMullen, D. A., & Raghunandan, K. (1996). Enhancing audit committee effectiveness. *Journal of accountancy*, 182(2), 79.
- [55] Nor, M. N. M., Shafie, R., & Hussin, W. N. W. (2010). Corporate governance and audit report lag in Malaysia. *Asian academy of management journal of accounting and finance*, 6(2), 57–84.
- [56] Othman, R., Ishak, I. F., Arif, S. M. M., & Aris, N. A. (2014). Influence of audit committee characteristics on voluntary ethics disclosure. *Procedia-social and behavioral sciences*, 145, 330–342.
- [57] TSE. (2011). *Charter of audit committee of public joint stock companies: tehran stock exchange (Tse)*. (In Persian). <https://hemattaraz.ir/wp-content/uploads/2019/12/Charter-committee-audit.pdf>
- [58] Salehi, M., Oradi, J., & Salari Forg, Z. (2016). Effects of presence of audit committee and its characteristics on audit report. *Journal of accounting knowledge*, 7(26), 59–83. (In Persian). https://jak.uk.ac.ir/article_1532.html
- [59] Sultana, N., Singh, H., & der Zahn, J.-L. M. (2015). Audit committee characteristics and audit report lag. *International journal of auditing*, 19(2), 72–87.
- [60] Malekian, E., Ahmadpour, A., & Talebtabar Ahangar, M. (2012). The relationship between some corporate governance, audit fees and meter ownership of companies listed in Tehran stock exchange. *Financial accounting research*, 4(4), 37–50. (In Persian) https://far.ui.ac.ir/article_16963.html